

THE LIBRARY CONGRESS SERIAL RECORD  
OCT 21 1944  
Order Number

کارگران، دهقانان، روشنفکران  
مشیران، برعلیه ارتجاع متحد شوید  
سال اول شماره صد و هفدهم

بر علیه مبرکونه استعمارکشور ایران  
مبارزه کنید  
یکشنبه ۱۹ تیر ماه ۱۳۳۳

### از مداخلات نامشروع

#### جلوگیری کنید!

ما بکرات تذکر داده ایم جز حفظ کلیه اصول قانون اساسی استعزاز مشروطه واقعی نظری نداریم و مبارزه شدیدی که بین حزب رده ایران از یکطرف و مرتجعین و فرقه پرستان از طرف دیگر در گرفته ققط و سرزمین موضوع است.

مغالفتین آزادی که دیروز بوسیله چاپلوسی هاوشیرین کاری های خود نه کرسی فلک را زیر پای رضا خان نهاده و کم کم برای او مقام الوهیت قائل شده بودند، امروز همان شه را از سر گرفته و با ظواهرات و ریباکاری های لوس و بیزه میخوانند از بساط رضا خانی را بپهن کنند و از خون پشای ملت گرفته بقیه ایران پیش از پیش بپهره ور گردند.

چندی است همدانی و یارانش با تاراج هستی و آزادی ملت ایران منظور دیگری ندارند دست باقدامانی زده و در خارج چنین بلوه داده اند که با دستور دربار و موافقت پادشاه ایران صل میکنند - یکی از احزاب که بدستگیری چند نفر از افسران ارتش تشکیل گردیده خود را سرسما و رسا متبسم مقامات سلطنتی معرفی میکنند و همدانی از روزنامه ها نیز خود را از کارکن رسمی دربار جلوه میدهند ۱۱ عجب تر آنکه اینروزها صورت اساسی چند نفر را تحت عنوان نامزد های دربار منتشر نموده و اصرار دارند بفرمود

قبولانند که این اشخاص مورد توجه خاص شاه هستند - ما در مقابل این جریان نمیتوانیم سکوت اختیار کرده تجامل نمایم زیرا پیشم خود اوضاعی که منجر باستبداد رضا شده گردید می بینیم و بنا بر وظیفه ملی خویش ناگزیریم چشم و گوش مردم را باز کنیم و آنها را از عواقب این شه های ناموزون آگاه سازیم.

#### چون بر طبق نص صریح قانون اساسی پادشاه مشروطه حق مداخله مستقیم در امور سیاسی ندارد انتخاب یک حزب سیاسی یا روز نامه بهای با دخالت در تعیین نامزد های انتخابات در حقیقت تشویق به قبض مقررات قانون اساسی و حکومت مشروطه است.

بچه در صفحه ۳

### اوضاع فارس

خبرهایی راجع به عملیات جنگی بین سربازان و ایل قشقایی و بویر حمدی در این دو روزه در افواه منتشر و در جراید مرکز منعکس شده است بطور کلی هنوز نمیتوانیم در این باره نظریه خود را صد در صد صحیح بیان کنیم زیرا نه از مقدمات و نه از نتایج این نبرد خانگی اطلاع صحیح در دست نیست هیاتقدر مسلم است چند روز پیش ده کامیون حامل خواربار از اصفهان برای یادگان سمیرم روانه شده این ده کامیون با تمام پول و البسه و تریاک بصرف عشاق در آمده و سر نشینان کامیونها همه تلف میشوند از طرفی ستون اعزامی نیز در محاصره افتاده و هر چه تقاضای کمک میکنند مفید نیافتاده و باوجود پایداری کامل این ستون نیز در اثر فاکتگیری دشمن برانگنده شده و اکثر کشته میشوند و فراریها با وضع رفقت باری خود را بشهرضا و اصفهان میسرسانند و عده رام همراه میبرند

### زندگی روزانه

#### اقویوس است یا بلای جان مردم!!

یکی داستان است بر آب چشم!  
دل نازک از .....  
باین سختیها گرفته ایم وعادت کرده ایم اما درد اینجاست که نیکد ازین با همان بدبختی قدیمی خودمان سر کتیم و بسازیم و بسوزیم. با لکس همچه که یک سخی عادت کردیم فوراً وضع تحمل ناپذیر جدیدی برای ما درست میکنند.

باشناز های سابق انویوسها اقلای یک حسن داشتند یعنی محل توفشان معلوم بود. ماشاالله دولت بحال مردم فکر کرد عوارض را برداشت شوهر های بی پیروم از خدا خواستند دیگر اختلا معلوم نیست کجا میایستند و کجا راه میافتند کسی که سر چشمه خواهد پیاده شود یکد فمه

باین شرح کشکش ما مردم بینوا از شوهرها و شوهر خور های لوسها از غرور ارضی داستان شنیدنی و تماشای است و بسازیم و بسوزیم. با لکس همچه که یک سخی عادت کردیم فوراً وضع تحمل ناپذیر جدیدی برای ما درست میکنند.

ما پائین افتادها و بویر شدنا و هزاران طبایع دیگر اینها همدرد میدمان قدیمی ما بوده و بچیر نازده که قابل شنیدن یا شدت. شرح چپانین پنجاه قسمت مسافر بزرگ انویوس کوچک، فشار ما فوق الطبیعه، گرد و خاک، تنگ، گرما، جیبه بری و نظائر آن هم مدنیت است کهنه شده است و تلاکی ندارد. ما سالهاست

باین سختیها گرفته ایم وعادت کرده ایم اما درد اینجاست که نیکد ازین با همان بدبختی قدیمی خودمان سر کتیم و بسازیم و بسوزیم. با لکس همچه که یک سخی عادت کردیم فوراً وضع تحمل ناپذیر جدیدی برای ما درست میکنند.

باین شرح کشکش ما مردم بینوا از شوهرها و شوهر خور های لوسها از غرور ارضی داستان شنیدنی و تماشای است و بسازیم و بسوزیم. با لکس همچه که یک سخی عادت کردیم فوراً وضع تحمل ناپذیر جدیدی برای ما درست میکنند.

### کتب وزارت فرهنگ

#### چه صیغه است؟

#### همه چیز ما را در چاله عفن انحصار چپاننده اندا

#### انحصار زمامداری

#### انحصار وزارت و وکالت

#### انحصار صنعت و تجارت

#### انحصار آزادی و حق استفاده از قانون

#### انحصار فرهنگ و تعلیم و تربیت

بیچاره ما که باخونسردی و عدم مداخله در امور زندگی و حیاتی مان خود را شایسته بیچارگی نشان میدهم در این کشور همه چیز ما را انحصار کرده اند. شماره چیز هایی که در انحصار نیست محمود و انکت شیار است نان در انحصار آب در انحصار، خانه در انحصار، زندگی در انحصار، فرهنگ در انحصار، آزادی در انحصار، بیترسم چندی دیگر حق حیات هم در انحصار در آید.

من از دین آن جریان مفرم داغ شده و دلم دردم نشود. اشکی که از سرچشمه اندوه و تضرع میبارد در سحرای دل از شور و زواری خشم و جنون گذشته بود در گوشه های چشم حلقه زد. آفتاب زهر خندی تلخ و ذوب کننده که حاکی از نهایت یاس و حرمان بود برگوشه دماغ ما سابه انداخت تا آن ساندینو را نا امید نکرده باشم.

«خانم عزیزم نگران نباشید بهما دست خواهد شد بروین شهادت تصبيلات متوسطه اش بچیر یاد میگردد. حالا بچه است نخواستند تا امیدش کنند»

#### در کشور انحصار: در سر زمینیکه قانون فقط برای خاکر و به نشها و عمله ها و دلاکهای جنام وضع میشود انحصار فرهنگ و تعلیم و تربیت پایه و اساس سیستم مکتولیزم است

نیدانه هنوز فرق بین کسرامشار و کسر متارنی را یاد نگرفته هنوز یک مسئله مراهبه خیلی ساده را حل نیکند. هنوز نیدانده عدد بی چست و از کجا آمده یک کله از جنرافیای ایران بلد نیست بچه در صفحه ۲

### زجر

#### بهار در بازداشتگاه ما

آوردیل از همه ماها نظامی تر است. پاسن را از زمین های مرده می رویند. خاطرات را با آرزوهای دردمی می آمیزد. و ریتنه های کهنه را با باران بهاری بهم میاندازد ت. س. س. امیرت

ما دیگر خودمان را با سارت عادت داده ایم. سیم خار دار، سوت پاسانها، ضربه ته تفک مشت و لگد گارد ها و صدای گامهای در هم و برهم و نامرتب و کیل های مست در روز های شنبه و یکشنبه برای ما چیز های عادی شده. ما دیگر به حلات گوناگون امراض دیسارتی و قولنج - امراضی که هرگز داری آنها را با نیدهند - خوگرتیم ما برای گذراندن اوقات تلخ و دیر گذر - زبانهای دیگران را می آموزیم و بیک جنگ آرام و آهسته بر ضد جاسوسها و پروکاترها ادامه میدهم. ما با زندانیهای دیگر روابط دوستانه داریم و قلبهای خود را سخت وابسته همدیگر می بینیم ما در مقابل مرحله خطر و مردوشواری و سختی که با رو میکند عکس اصلی نشان میدهم

با اینهمه وضعیتی پیش خواهد آمد که برای آن آماده نیستیم تا امروز تنها بچه در صفحه ۲

در شماره قبل در این ستون مطلبی راجع بر رئیس کارخانه گلبرین انتشار یافته بود که پس از تحقیق معلوم گردید که صحت نداشته و ایشان بیچاره قضایای سیاسی را در امور کارخانه دخالت نداده و هم ایشان فقط مصروف بانجام وظایف رسمی خودشان میگردد.

چند نفر از بازرسان کاشان در تهران شرکت سهامی بنام ( جمعیت کاشایان مقیم تهران ) تشکیل داده و صرفاً از لحاظ حفظ منافع شخصی و مبارزه با قانون مالیات بردرآمد و اعمال نظر در امور انتخابات شروع به اقداماتی نموده اند

که مقدار بزرگ و روغن متعلق لیبارستان هزار تنخواوی بمنزل دکتر م ... انتقال یافته است؟  
که اخیراً برخلاف نص صریح قانون اساسی چهار نفر از محتملین اهواز منجمله رئیس انجمن شهر و رئیس اطاق بازرگانی محل از طرف اداره شهر بانی بدون هیچگونه مجوز قانونی به بروجرد تبعید شده اند؟  
تذکر



ای کجاست راستی؟



### نیروی متفکین بسپسیل

#### حمله و گردید

#### در ساحل باختری جزیره جنک

#### شدید آغاز شد

#### جله فوق العاده دولت فرانسه

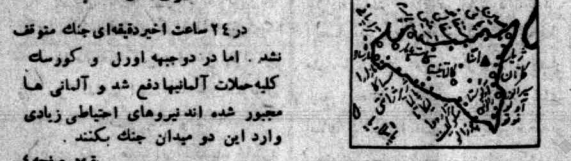
آخرین اخبار معلوم می شود که جنک بهشت در اطراف یک شهر واقع در نزدیکی بیلوگرو ادامه دارد و با اینکه این شهر چند بار دست بدست شده است، لیکن نام او برده نشده است.

#### ماتیکی در مگو

ایوان ماتیکی سیر کبیر شوروی در لندن دیشب با هوایی وارد مسکو شد نیردهای شدید در بیلوگرو و آلتانها هزاران تانکر در آنجا قرار ییاده نظام پیوسته بیچاره بیلوگرو اعرام میدارند و نیز آمده هستند که تانکهای متعدد دیگری در این جبهه بکار برده از

#### ایزن هاور

در ۲۴ ساعت اخیر دهه های جنک متوقف شد. اما در دو جبهه اورل و کورسک کلیه حلات آلتانها دفع شد و آلتانی ها متبیر شده اند نیروهای احتیاطی زیادی وارد این دو میدان جنک بکنند. بچه در صفحه ۴



### سیسیل

سیسیل متبیرترین جزیره مدیترانه است از حیث وسعت و اهمیت مقام اول را در بین جزایر این دنیا داراست. طول این جزیره از مغرب مشرق در حدود ۲۰۰ کیلومتر و عرض آن از شمال بجنوب دو حدود ۱۱۰ کیلومتر است. این جزیره بطور ملت از تنگه سین که ترک است و «چکه ایتالیا» است ست جنوب و مشرق توسعه می یابد و اهمیت آن همین نزدیکی بسواحل ایتالیاست زیرا عرض تنگه سین چند کیلومتر بیش نیست و از طرفی فاصله سواحل جنوبی آن از تونس فقط ۹۰ مایل است.

سیسیل دارای خصوصیات است که برای عمل بهاجه بسیار مناسب است سواحل غربی و شرقی آن دشت های وسیعی میباشد. و بزحمت در سواحل شمالی آن نواسی کوهستانی یافت میشود که تا حدی مانع طبیعی بوده و لم غیر قابل عبور نیست

بین نقاط و شهرهای این جزیره که دارای نفت اساسی باشند در درجه اول سیراکوز رامی بلیکم که از سواحل تونس و زاویه غربی جزیره تقریباً یک فاصله است و سابقاً یونانیها بدان حمله ور شدند و مدت طولانی در آن استقرار داشتند. دودتر از آن پارلم نظر میرسد که در بچه در صفحه چهار

ما دیگر خودمان را با سارت عادت داده ایم. سیم خار دار، سوت پاسانها، ضربه ته تفک مشت و لگد گارد ها و صدای گامهای در هم و برهم و نامرتب و کیل های مست در روز های شنبه و یکشنبه برای ما چیز های عادی شده. ما دیگر به حلات گوناگون امراض دیسارتی و قولنج - امراضی که هرگز داری آنها را با نیدهند - خوگرتیم ما برای گذراندن اوقات تلخ و دیر گذر - زبانهای دیگران را می آموزیم و بیک جنگ آرام و آهسته بر ضد جاسوسها و پروکاترها ادامه میدهم. ما با زندانیهای دیگر روابط دوستانه داریم و قلبهای خود را سخت وابسته همدیگر می بینیم ما در مقابل مرحله خطر و مردوشواری و سختی که با رو میکند عکس اصلی نشان میدهم

با اینهمه وضعیتی پیش خواهد آمد که برای آن آماده نیستیم تا امروز تنها بچه در صفحه ۲

چند نفر از بازرسان کاشان در تهران شرکت سهامی بنام ( جمعیت کاشایان مقیم تهران ) تشکیل داده و صرفاً از لحاظ حفظ منافع شخصی و مبارزه با قانون مالیات بردرآمد و اعمال نظر در امور انتخابات شروع به اقداماتی نموده اند

که مقدار بزرگ و روغن متعلق لیبارستان هزار تنخواوی بمنزل دکتر م ... انتقال یافته است؟  
که اخیراً برخلاف نص صریح قانون اساسی چهار نفر از محتملین اهواز منجمله رئیس انجمن شهر و رئیس اطاق بازرگانی محل از طرف اداره شهر بانی بدون هیچگونه مجوز قانونی به بروجرد تبعید شده اند؟  
تذکر



### اتوبوس است پابلاي جان مردم

بقیه از صفحه اول  
تویخانه ییادهاش میبکنند دمه دیگر سراه امین حضور، مسافری بیچاره هم که مانند معکومین باصل شاه حق نس کشیدن ندارند. اگر صدایشان بیرون بیاید باران نشش ونا سزاست که بسرو رویشان، می بارد اما از وضیت اینها بدتر حال آن بیچاره هایتست که مدت درانتظار اتوبوس می مانند و ماشینها مرتباً میآیند و بدون توقف از جلوشان میگذرند و اگر هم اصیانا عشق آقای شوفر کشید که بایستد بیا یانصد متر قبل از ایستگاه است بایستد متر آنطرف ایستگاه! آنوقت چشمتان روز بد بینید گروهان منتظر اتوبوسها بطرف ماشین میومد میکنند و مسافه دو شروع میشود و شاگرد شوفر هم لگدش را برای استقبال آقایان آماده کرده است. باین هم اکتفا نکردند اشتدنگر کردند تا کسی اتوبوس را ناپردند. در عوض برای دلخوشی مردم گفتند نباید زیاد تراز حد مسافر سوار کند؛ ما که از اول عاقبتش را میدانستیم خدا بباد آنهایی که بول کرده اند برسد مثل هم مقررات ما اجراي آن بگردد بود و شاید تا آخر روز هم طول نکشید؛ از فردا همان آبی بود و همان کامه! منتها قطعی که اثر از این تصمیم باقی نمانده است یعنی وقتی خوب تالاب اتوبوس مسافر چنانچه در جای سوزن انداختن هم باتنشاند آنوقت شاگرد شوفر با صدای کریشش داد میکند: «دهه پاش بی شرفی» که با نشینت ملوم نیست مگر روی سر هدیکر نشینت!

ماجرای بول خوردن ما که خودتان بهتر میدانید.

بیچاره مسافری حاضرند برای پنج ریال بیکریال حق صرف حساب کنند و باز هم مواج با زبان ریکه شاگرد شوفر هایشوند!

از پنج ریال هم اگر بیشتر نشان بدهید که حسابتان با کرام الکاتبین است! خلاصه هر کسی بول خورد اتوبوس زیر سر گذاشت است باید خیال اتوبوس را از سرش خطور بدهد والا با به تشش را برای فضا های آب نکشیده شاگرد شوفر خوب چرب کند

قط مثل همه جای دیگر دو تیسف استنا هستند!

یکی از آنها، یکی آخوند ها، زور و دماغ گوزی و اسف و آخوند ها چالپاستاده باشند همانجا ایستگاه حساب میشود و هر پولی بدهند بی چون و چرا پذیرفته میشود! عامه و سر نیزه هم جا در یک ردیف هستند! اما وای بجلای سایر مردم! آقایان زمامداران! آقایان وکلا و وزراء! اگر بیکجور حساب سر تان میشود اگر یک مثال جس در خودتان سراغ دارید؛ به پیشنهاد ما گوش بدهید و توجه کنید: وحشت نکنید، ما میخواهیم بگویم اتومبیل های خودتان را بفق مردم محنت کش و برای حمل و نقل شهری اختصاص دهید؛ ما نیغوا هم بگویم فرمان مصادره اتومبیل های لوکس رفقای سرمایه داران را صادر کنید، ما توقع نداریم از خارج اتوبوس تهیه و وارد کنید، حتی ما بگویم شوفر ها و شاگرد شوفر ها و صاحبان اتوبوس را برای بد رفتارشان نسبت به مردم مجازات کنید؛ ما پیشنهاد میکنیم اقلاً رسماً اعلان کنید که ما جزو ملل متدین نیستیم و به اتوبوس و سایر وسائل نقلیه حتی واکن آسی هم احتیاج نداریم و به از این همه باید «مانند دوره شاه و زوزک» پیاده روی عادت کنند!

خ - چوبین

### کتاب وزارت فرهنگ چه صیغه است

بقیه از صفحه اول  
میگویم محصولات آذربایجان بیست جواب میدهند غمناک میرسم زاینده رود بکجا میریزد میگوید بخلیج فارس مقدمه گلستان را اول کتاب ششم نوشته اند بهمان نشانی که یک کله از آن یاد نگرفته آخر این چهار وزارت فرهنگ است آخر این چه دستاکی است

پس این آموز گاران دبستان ها این بازرسهای وزارت فرهنگ این اداره آموزش این شورای فرهنگ و این سازمان بر از میز و مندی و طنطنه و طمطران بیه درد میخورد و چه کاری صورت می دهد آخر شش سال بدختر من چه آموخته اند دختر من همینندانه در امتحانات نهایی شرکت کرده معدل ۱۵ آورده این چه مسخره بازی است! چه میتوانم بگویم!

من آن مادری که خود را مسئولی دانست گول زدم آیا شما هم گول می خورید؟ شما هم باور میکنید که در تصویبات متوسطه تلافی می کنند و چیز یاد بدهند. شما هم گمان میکنید که پایه و اساس فرهنگ ما مستحکم و استوار است من در این دوسه سال گذشته بیه هالی را که تصدیق شش ساله ابتدایی گرفته اند خیلی بایده ام همه را مورد آزمایش قرار داده ام راستی همه آنها گنج بودند هیچ کدام چیزی بارشان نبود از آنچه در برنامه نوشتن نوشته از آنچه باید بداند یک سیستم پاک سیم ام یاد نگرفته بودند. ده بازده سال پیش که آفتاب سعادت ایران از گریبان رضا شاه آن منجی قلندراب طلوع کرد و برای اجرای امتونبات قائده عظیم الشان مقدس و برای اصلاح امور و بالاخره برای چاییدن مردم و خراب کردن خانه ملت و بیچاره کردن ایرانی و بد نام کردن ایران دست بدامن منویلیزم شدند و شروع کردند با ساختن دژهای غیر قابل نفوذ انحصار انحصار و قوای انحصار کبریت انحصار مشروبات الکلی انحصار کارخانه ها انحصار برنج انحصار کشت برنج فقط برای املاک شاهی انحصار دخانیات انحصار و سکالی مجلس انحصار وزرای کشور. اما این انحصار ها پایدار نبود ممکن بود پس از مدتی همه آنها از بین برود ممکن بود مردم کم کم بیدار شوند در زندگی دست و پایشان به بند و بساط انحصار گیرند با آن چه بیفتند و با فوکه یادکش کنند پس باید این انحصار ها را بر اساس مستحکم و پایدار قرار داد

پس بشکر انصار آزادی اتحادند تا کسی آزاد نباشد آزاد فکسر نکنند که بکسر الله انحصار هایتند و کلاهی فرمایشی قضات فرمانبردار نظمی چی های مطیع و وزرای حرف شنو ماشین مانند اینها و مسائل اجرای انحصار آزادی بودند اینها آزادی را از همه سلب میکردند اما باید آزادی فکر را هم انحصار نمود انحصار آزادی انکار اساس متین و مستحکم سیستم منویلیزم است این بود که وزارت فرهنگ بر نامه تبلیغات را در انحصار کرد در کلیه مدارس باید این مواد تدریس شود تدریس مافوق پرگرام غفغن است اگر چیزهای دیگری بشاگردان بیاورند بزم است اگر شاگردان روشن فکسر و با هوش و اهل کتاب باشند جرم است؛ چرا درد سر تان بدهم دانش جرم است

•••

ما از وزارت فرهنگ میبرسیم: چرا کتابهای دبستانهاو دبیرستان هارا بخودش انحصار داده است!

چرا آنچه در این کتابها نوشته شده چرند و بی فایده گمراه کننده و تو خالی است! چرا هر سال میزان دعواری و

### حزب سوسیالیستی و سوسیالیسم

#### نامه ها

از سر ایستگاه اراک  
یکی از رعایای رنجیده می نویسد: تاکنون هیچ وقت ستاره اقبال دهستانها طلوع نکرده است در دوره های خود سری که اسش با خودش است هر چه فشار و تحویل است بطیفه کشاورز وارد میشد و هر چه فزده و بلا بوده بضرر ضعیف میریختند! اکنون که دوره مشروطه باقولی دموکراسی است هزار ها مرتبه بدتر و بی پروا تر رعایا را زیر بار ظلم میکشند مینویسد کوبک آزادی درخشید، مردم کشور در مهد آسایشند! قول استبداد رفت! ولی ما همین که بودیم بلکه صد مرتبه بدتر در این دوره آزادی! کدام مستکر را معاکه کردند، کدام وزیر خائن را بدار زدند! کسی بصاحبهای دزدی آقایان رسیدگی کردند! تروت از آسان نییاد با کدام عرق جبین و کدی بی این همه تروت در این مدت قلیل اندوخته شد و این همه مالیات که گرفته میشود برای معارج عمومی باید مسرف بشود کدام مرزبخانه برای دهات ساخته شد - کدام مدرسه برای اطفا ما رعایا افتتاح کردند چه کسی بزار زمین بدبخت نود اندامند را عرض کرد بداند اندامم گذاشتند اینها دست از سر ما بر نییاد رند شرارت پشت شرارت غارت پشت غارت است. قوه متنفذ قوه مجریه قوه قضاییه از هم تفکیک نیست معلوم نیست بکی باید مراجعه کرد بست تری افراد دردستگاه حکومت ما هستند چاقوچاقی در دهان و این قدر تیز موزوز قسط قدرت منظمی و منظم آزادیخواهان است که باید اسطی این تنگ و کلفت بشری را واژگون کند

ج - ی

از بهشهر  
چنگ نوادی ترک، و غلری در این روزها شدید شده است برای اختلاف انداختن بین کارگران مرتجعین می خواهند زد و خورد خوبی بر با سکنند چند دمه دست جمنی قلدرهای سرمایه داران توی کوچه و خیابان هر جا ترک زبان را گیر میآورند تنه زده و فحش میدهند ولی کارگران با کمال خونسردی بمنزل خود بنام میبرند

مشول وقایع رئیس شهربانی است که هیچگونه اقدام ننموده بلکه کله هم می کند.

از بابل  
نامه با مضامین تقریباً دوست نقر رسیده مشر بر اینکه شهرداری و اداره اقتصاد هر شهر موظف است که تامین احتیاجات اهالی را بکنند متاسفانه نرخ خواربار

### خبرها

#### تلگرافها

اتحاد کلوب حزب توده ایران در شهر ری  
بر حسب دعوتی که قبلاً از کارگران و مبرزین و آزادخواهان شهر ری شده بود روز جمعه گذشته ساعت ۹ صبح کلوب حزب توده ایران در شهر ری با حضور جمع کثیری افتتاح گردید.

آقای سلیمان حسن اسکندری مجلس را با ایراد خطبه ای افتتاح کردند سپس آقایان قاسمی و دکتر فریدون کشاورز در اطراف مبارزه حرمی و وظائف کارگران در روش فکران در انتصابات دوره ۱۴ بیانات مفصلی ایراد نمودند. در خانه آقای عبدالله زاده بزبان ترکی راجع بسوسیالیست قلی صحبت کرده و بیان کرده و ساعت ۱۰ و نیم با شور و هیجان عمومی خانه غنچه پذیرفتند.

از اردبیل  
۱- صدر تاریخ ۲۲۳۲۹۶ بیانیه حزب توده ایران را در اردبیل به تنی نام می دهند که به ده (ده دیک) لو پیش نباید گروهان ۲ رئیس پاسگاه کنکرو تقی را شلاق و کتک بزنند و فلاستری است ۲ - اعلان شماره ۷ در مشکین شهر برای دعوت مردم بحزب توده ایران منتشر مسعود مامور شهربانی بهرامی عظیم باسبان اعلان هارا بازه کردند و هفتاد مطالعه کنندگان و خوانندگان اعلان را بنا بدستور اداره شهربانی جلب و تحقیقات کرده اند

۳ - حزب توده ایران در مشکین شهر روز ۲۲۳۲۹۶ رسماً متوجه گردید

از سراب  
۱ - شرکت تلونی بنام آزاددر سراب تشکیل شده. مقدار زیاد تاکنون سهم فروخته شده

۲ - تقریباً دو ماه قبل رئیس امنیه احتشامی و عیسی خان بهرامی مجید امنیه بخانه قدیری هره دالی در یکی از محال سراب وارد شده کتک مفصلی زده عیال او را نیز در ملاء عام فضاکی نموده و با سر نیزه دور شهر میگرددند و یک عدد دوربین از منزلش میبرند بعد از کتک کاری مینوی و چه گرفته خسارات دیگری نیز وارد کردند

#### از اردبیل

یکی از اعضاء حزب توده اردبیل مینویسد در میان ۱۱ قاسمی رئیس شهربانی پیله سوار عمره سواپ آزادیخواهان و اعضاء حزب تک نموده از جمله صلیبات او اینکادر تاریخ ۱۷ و ۲۲ از یک پیشه ورتزام کسبی میگردد که در اطراف پیشرفت حزب توده صحبت نکنند و اعضاء حزب را بدکاشش راه نهند.

#### خود داووق

با کمال تاسف مطلع شدیم که آقای پیرنیا (مؤنن اللک) که انتظار میرفت ریاست اصبن نظارت انتصابات راهبدم دار شوند بواسطه عارضه کسالت از قبول این مقام خودداری کرده اند

و رود مختصص به کاشان  
بر طبق اطلاعات واصله کارشناسان کشاورزی که از طرف دولت اقتصاد جماعیه شوروی مامور بازرسه با آفات در ایران شده اند کاشان وارد و بافتان کارمندان اداره کشاورزی مشغول کار شدند رسیدگی بجرام احتکاری و از این پس رسیدگی بجرام احتکاری در صلاحیت دادسرای شهرستان تهران قرار میگردد

انجمن نظارت انتصابات  
وزارت کشور مشغول تهیه مقدمات کار اصبن نظارت انتصابات و مطالعه برای تعیین نمایندگان انجمن می باشد و ممکن است تا دهر روز دیگر هیئت نظارت تعیین و شروع بکار نمایند.

رفع توقیف  
از طرف فرماندار نظامی تهران از روزنامه های نوپار، مرد امروز رقم توقیف بطل آمده است.

سخنرانی دو روزه رادویو  
ساعت یستو یک (به بد از ظهر) روز سه شنبه ۲۱ تیر ماه آقای سبیلی نخست وزیر در رادویو سخنرانی خواهند نمود.

#### اعلان

اداره روزنامه رهبر برای تکفروشی روزنامه در شهر هدهه ایر با حقوق مکفی استخدام میکند داوطلبان هر روز میتوانند با اداره نامه رهبر مراجعه کنند

۸۴۳

#### نامه رهبر

جای اداره: خیابان رانابیل تلفن ۵۹۰۴  
سالانه ۲۵۰ ریال  
بهای اشتراك: ششماه ۱۳۰ ریال سه ماهه ۷۰ ریال  
تک شماره بیکریال  
هداز دوروز دوریال

#### چاپخانه فرهنگ

چرا کتابهای فرهنگی را آزاد میکنند چرا شانزده هفده سال عمر ما را تلف می کنند و آخر هم چیزی بنا نمیآورند چرا بنام قانون مرتکب جرم میشوند؛ ما منقذیم که اصلاح فرهنگ کیداصلاحات است و از اینجهت برای شروع اقدامات اساسی در این زمینه خیلی عجله داریم

#### اداره روزنامه رهبر برای تکفروشی

اداره روزنامه رهبر برای تکفروشی روزنامه در شهر هدهه ایر با حقوق مکفی استخدام میکند داوطلبان هر روز میتوانند با اداره نامه رهبر مراجعه کنند

#### اعلان

اداره روزنامه رهبر برای تکفروشی روزنامه در شهر هدهه ایر با حقوق مکفی استخدام میکند داوطلبان هر روز میتوانند با اداره نامه رهبر مراجعه کنند

#### نامه رهبر

جای اداره: خیابان رانابیل تلفن ۵۹۰۴  
سالانه ۲۵۰ ریال  
بهای اشتراك: ششماه ۱۳۰ ریال سه ماهه ۷۰ ریال  
تک شماره بیکریال  
هداز دوروز دوریال

#### چاپخانه فرهنگ

چرا کتابهای فرهنگی را آزاد میکنند چرا شانزده هفده سال عمر ما را تلف می کنند و آخر هم چیزی بنا نمیآورند چرا بنام قانون مرتکب جرم میشوند؛ ما منقذیم که اصلاح فرهنگ کیداصلاحات است و از اینجهت برای شروع اقدامات اساسی در این زمینه خیلی عجله داریم

### اخبار گور

در کاخ سعدآباد  
دروازه طراز نمایندگان مجلس شورای ملی که عبارت بوده از آقایان صدر دکتر طاهری ملک مدنی رفائی امیرتیسور تهرانی دکتر ملکه زاده نیکبورد رفیعی در قصر سعدآباد حضور پذیرفتند راجع بلایه افزایش آمانتدگان بطوریکه اطلاع یافتیم لایحه افزایش عده نمایندگان مجلس شورای ملی در هیئت وزیران مطرح می باشد و ممکن است امروز تقدیم مجلس گردد موافق خبری که باقیام عده نمایندگان تهران و حومه جمعا ۱۵ نفر خواهد شد که ۱۴ نفر آنرا تهران و یک نفر راکن و سولقان و شیرانان و لواسانات و شهرستانک انتصاب میشود.

ورود به تهران  
آقای سبید شادبختی فرمانده لشکر فارس و استانداران هفتم برای دادن گزارش مربوط بجزایران غیر فارس بپرویز تهران وارد شده اند

کنگره مبارزه ملخ بتهران  
بر حسب دعوتی که از طرف دولت ایران بصل آمده روز ۲۹ و ۳۰ تیرماه جاری کنگره ای مرکب از نمایندگان کشورهای افغانستان - عراق - هندوستان مصر - اتحاد جماهیر شوروی و نماینده وزیر انگلستان در حضور نماینده در تهران تشکیل خواهد شد در این کنگره در اطراف چگونگی مبارزه با ملخ و تهیه وسائل کامل آن مطالعه بعمل خواهد آمد تا تصمیمات متضنی اتخاذ و برای سال آینده اجرا شود

سوء قصد  
دروازه قبل از ظهر چهارمیر ناخناس بنزل آقای آقا شیخ حسین لنگرانی ورود نموده و شروع بنگراندن مینمایند چون حرکات و طرز گفتن آن ها اغماض سوء ظن مینماید و هیئتکه یکی از آنها برای اسلحه دست بجیب میکنند فوراً حشار مشارا به را با اسلحه و رقاایش دستگیر و در نتیجه تلفی که آقای نخست وزیر میشود آقای رئیس شهربانی و فرماندار نظامی عده زیادی نظامی و باسبان بنزل آقای لنگرانی آمده و شروع بمسبلیات مینمایند قفسه ای از کاسر چشمه گرفته و کار بچه صورتی دو آمده قابل دقت است

#### خود داووق

با کمال تاسف مطلع شدیم که آقای پیرنیا (مؤنن اللک) که انتظار میرفت ریاست اصبن نظارت انتصابات راهبدم دار شوند بواسطه عارضه کسالت از قبول این مقام خودداری کرده اند

و رود مختصص به کاشان  
بر طبق اطلاعات واصله کارشناسان کشاورزی که از طرف دولت اقتصاد جماعیه شوروی مامور بازرسه با آفات در ایران شده اند کاشان وارد و بافتان کارمندان اداره کشاورزی مشغول کار شدند رسیدگی بجرام احتکاری و از این پس رسیدگی بجرام احتکاری در صلاحیت دادسرای شهرستان تهران قرار میگردد

انجمن نظارت انتصابات  
وزارت کشور مشغول تهیه مقدمات کار اصبن نظارت انتصابات و مطالعه برای تعیین نمایندگان انجمن می باشد و ممکن است تا دهر روز دیگر هیئت نظارت تعیین و شروع بکار نمایند.

رفع توقیف  
از طرف فرماندار نظامی تهران از روزنامه های نوپار، مرد امروز رقم توقیف بطل آمده است.

سخنرانی دو روزه رادویو  
ساعت یستو یک (به بد از ظهر) روز سه شنبه ۲۱ تیر ماه آقای سبیلی نخست وزیر در رادویو سخنرانی خواهند نمود.

#### اعلان

اداره روزنامه رهبر برای تکفروشی روزنامه در شهر هدهه ایر با حقوق مکفی استخدام میکند داوطلبان هر روز میتوانند با اداره نامه رهبر مراجعه کنند

#### نامه رهبر

جای اداره: خیابان رانابیل تلفن ۵۹۰۴  
سالانه ۲۵۰ ریال  
بهای اشتراك: ششماه ۱۳۰ ریال سه ماهه ۷۰ ریال  
تک شماره بیکریال  
هداز دوروز دوریال

#### چاپخانه فرهنگ

چرا کتابهای فرهنگی را آزاد میکنند چرا شانزده هفده سال عمر ما را تلف می کنند و آخر هم چیزی بنا نمیآورند چرا بنام قانون مرتکب جرم میشوند؛ ما منقذیم که اصلاح فرهنگ کیداصلاحات است و از اینجهت برای شروع اقدامات اساسی در این زمینه خیلی عجله داریم

#### اداره روزنامه رهبر برای تکفروشی

اداره روزنامه رهبر برای تکفروشی روزنامه در شهر هدهه ایر با حقوق مکفی استخدام میکند داوطلبان هر روز میتوانند با اداره نامه رهبر مراجعه کنند



### پنجاه و سه نفر

حمله آلان بر اتحاد جماهیر شوروی و انعقاد قرارداد انگلیس و شوروی تمام امیدواری های رضا خان را نقش بر آب کرد و متوجه شد که اساس سیاست خارجی او متزلزل شده است. یک آن رضا خان، قادر و فعال ماباشد در دوره بیست ساله حکومت خود آرزو کشید که با مردم باشد ولی دیگر کار از کار گذشته بود در اثر قرار داد انگلیس و شوروی دیگر سیاست ایران مبتنی بر پشت گرمی بانکستان و مخالفت با دولت اتحاد جماهیر شوروی منتهی و مضمونی نداشت از طرف دیگر در اثر شکست گیلانی در عراق معلوم شد: آلانها تا اندازه ای هم که خود ادعا میکردند و وعده میدادند، قوی نبوده و نمیتوانستند با مثال گیلانی و رضاخان در مقام شوروی کمک رسانند. در داخله نیز هم مردم بر علیه او هستند، برای او دیگر چاره ای نبود، جز اینکه عده ای را بکشتن دهد و دست از سر این مملکت بچاره بردارد.

اما این راه شرف و ناتوانی تدریجاً پیونده میشد، در همان اوازی که جنگ در اروپا در گرفته بود، رضاخان هنوز تصور میکرد که خطر ممکن است از داخله او را تهدید کند و از همین جهت بیشتر باستحکام مبنای قدرت خود در داخله پرداخت. قلب مملکت رضاخان زندان بود و اقدامات شدیدی در زندان بر علیه زندانیان سیاسی آغاز شد. از جمله در نشر از زندانیان سیاسی را که چندتایی از آنها جزو پنجاسو هم نفر بودند، زنده بگذارد.

لنت زده کاملاً بیجا استعمال شده و واقعا تا موقعیکه اساس سلطنت رضاخان سرنگون نشد، هیچکس نتوانست اطلاع حاصل کند که این ده نفر را بکجا برده اند. در کشوری که زمام امور در دست مردمان فاسدی بود که در مقام پول نوامیس خود را میفرستادند، در پنهان نگاهداشتن این سر حاکم از هیبت سپاری است و این نکته خود میسراند که شهربانی بچه و پهلای متبث میشد تا کاخ پهلایی حکومت میانه را استوار نگاهدارد. یکروز صبح ما در کریدر رفت بودیم و صاحبان کشیک با چند نفر آژان وارد حیاط شد. تابستان بود و ما شبها در حیاط می خوابیدیم.

### از مداخلات نامشروع جلو گیری کنید

بچه از صفا اول کسانیکه بنام خدمت میخوانند از نامها استفاده نموده منظوره های شخصی خویش را نامین نمایند بوی میمانند که پادشاه یک کشور مشروطه باید کاملاً در امور سیاسی رویه بیطرفی اتخاذ کند و در امور احزاب و انتخابات، مجلس و دولت، بیچوجه دخالت نماید ولی چون از طرف دیگر کاملاً باین نکته پی برده اند که ملت ایران فریب نرسد که ها و دروغهای آنها را بخواهد خورد و حاضر نیست سرنوشت خود را کور کرده تسلیم مشقی مابرا جو و استفاده طلب نماید و در مقابل بیک عمر تکت و بدبختی برای خود خریداری نماید ناچار از او راهی که رضاخان کشور ایران را به برنگاه نیستی سوق داد پیش گرفته و در صددند بهمان طریق حکومت زورگویی (خود ساری و بی قانونی را برقرار نمایند.

ولی حزب توده ایران، همان حزبی که اجرای کامل و واقعی مقرر ات قانون اساسی را شعار خود قرار داده و در راه بدست آوردن مشروطیت ایران از هیچگونه فداکاری مضایقه نمیکند، همان حزبی که بزرگترین سد راه مخالفین قانون اساسی و آزادی است تا آخرین حد امکان مردم را به مرز بازرگونی و مداخلات نامشروع و نقض قانون اساسی و اصول مشروطیت یاری میکند و معاهده گذاشت یکبار دیگر خیانتکاران و شیادان که هنوز رک و ریشه این مملکت را مانته کرم میجویند اصول دزدی و چپاول ملت و بی قانونی را مستحکم نمائید

**آقای سوبلی باید بدانند که طبق اصل ۲۸ و ۲۹ و ۴۴ قانون اساسی شخصاً مسئول این قبیل اقدامات هستند و چنانچه کانی در نتیجه مامنه یا غفلت ایشان ( احکام کتبی یا شفاهی ) از طرف شاه صادر نمایند قانوناً مسئولیت متوجه آقای نخست وزیر خواهد بود** ما از آقای نخست وزیر سؤال میکنیم در صورتیکه بر طبق قوانین و مقررات مربوطه شرکت نظامیان در امور سیاسی ممنوع است علت اینکه عده ای از افسران ارشد ارتش رسماً در حزب نهضت ملی شرکت نموده و خود را علناً متب بدربار جلوه میدهند چیست ؟ ما از آقای نخست وزیر میپرسیم روزنامه ارشاد در بار چه صیغه ایست و چرا از این تظاهرات خلاف قانون اساسی جلو گیری نشود ؟ آقای نخست وزیر نامزد در بار در مملکت مشروطه چه صورتی دارد و با کدام قسمت از مقررات قانون اساسی وفق میبهد ؟

آیا میدانید که ملت اساسی استکف آقای یونیا از قبول ریاست هیئت نظار همین انتشارات راجع بمداخلات نامشروع در امور انتخابات است ؟ آقای نخست وزیر، شما در مقابل ملت ایران مسئولید و باید جداً از این قبیل مداخلات جلو گیری کنید والا قطع داشته باشید که مردم خود برای استقرار اصول مشروطیت و احترام قانون اساسی اقدام خواهند نمود.

### آگهی مناقصه

وزارت بازرگانی و پیشه و هنر دو قلب آهن مورد نیاز کارخانه قند مرو- دشت را بمنتصف میگذارد. شرایط قبول پیشنهادها در اداره مسابرداری کارخانه های قند و واگذاری موجود و فروخته گان میتوانند هم روزه در ساعات اداری تا ساعت ۹ صبح ۲۲/۴/۲۸ مراجعه و براین کار دریافت دارند پیشنهادها در ساعت ۱۱ همانروز باز و خواننده خواهد شد. شماره ۱۵۱۵۵ - ۴۲۳ وزیر بازرگانی و پیشه و هنر

پاول شاه ما را بالا انداخته پرسید: چرا این زحمت بجهه خدا بکنی ؟ چه فکر هائی میکنی ؟ تمام سرم بی جهت زحمت کشیده ام چه مانی دارد این کار را برای یک آدم حساس بکنم . پاول جواب داد : هر طور میلانان است اگر قبول کند من خوشحال میشوم . و اهل روسیه صغیر آمد با آنها هم منزل شد . . . .

۸ -

این خانه کوچک واقع در انتهای محله کاملاً جلب نظر میکرد هنوز هیچ نشده نگاههای زیادی از روی بدگمانی از دیوار های آن عبور کرده بود. بالهای شایسته عمو در روی آن تکان میخورد. سسی میگردید رمزی را که در آن نهفته بود کشف کنند شش جیبی ها از پشت شیشه نگاه میکردند کاهی کسی به شیشه میزد و بعد با نهایت سرعت فرار مینمود. روزی در کوچه بگوتترف مشروب فروشی جلو مادر پاول را گرفت. این شخص بیز مردوخ شکل ریزه میزه ای بود و همیشه دور گردن سرخ و پر چشش دستمالی ابریشمی سیاه می انداخت.

در روی پیشانی ترفک تیز و برافش سینکی استخوانی قرار داشت و بدینجهت مردم او را « چشم - استخوانی » لقب داده بودند.

این شخص بیک نفس وی آنکه منتظر جواب خود با پارانی از حرفهای خشک و صدا دار - پلاگ را غافلگیر کرده بود : - پلاگ نیلونا سالتان چطور است ؟ احوال پسران چطور است هنوز نیخوانید زش بندید ؟ این جوان واقعا موقع زن گرفتارش است. وقتی که پسر و مادر پسر خود را زود زن میدهند خیانتان راحتتر است. مردی که زندگی خانوادگی دارد روحاً و جسماً سالم تربیاش و مثل فارچی که در سر که بیاندازند خوب میماند من

### از گوشه و کنار

#### ترجمه از ایمان

#### ۲۰ میلیون زن مجبور گردیده است

طبق آخرین آمار عدد زنانیکه در مساهم جنگی انگلستان مشغول کارند به ۶۷۵۰۰۰۰ بالغ میگردد. ارتام ذبل از طرف وزارت کار انگلستان داده شده است. جمعیت کلی انگلستان ۴۶۷۵۰۰۰۰ بین ۱۴ و ۶۵ سال ۳۵۳۰۰۰۰۰ قابل استفاده برای مساهم جنگی ۳۳۲۵۰۰۰۰ مرد ۱۶۰۰۰۰۰۰ زن ۱۷۲۵۰۰۰۰ زنان شوهردار ۱۱۰۰۰۰۰۰ زنان بی شوهر (بین ۱۸ و ۶۴ سال) ۴۵۰۰۰۰۰ زنانیکه وارد خدمت صلیبان ملی گردیده اند ۱۵۰۰۰۰۰ زنانیکه اکنون در کارهای جنگی دخالت دارند ۶۷۵۰۰۰۰ ارتست بوین وزیر کار برای اینکه تقیبه که مرتباً در کارخانه ها در اثر تجبیر مردان حاصل میگردد بجزبان نماید تصمیم گرفت که عدد زنانیکه مشغول کارند به ۱۰ میلیون ترفی دهد با مخالفت زنانیکه دارای اطفال کوچکتر از ۱۴ سال میباشد یا آنهایکه زن نظامی هائی هستند که طفل ندارند.

اخیرا خانۀ الینور هارلرک رییس سابق مؤسسه ن. ل. و. ب. در امریکا اعلام داشت که شماره زنان بیج شده برودی به ۷ میلیون خواهد رسید یعنی ۵ میلیون بیشتر از عددی که در جنگ گذشته ثبت

### شایگان ماکسیم گورکی



ترجمه علی اصغر سروش

اگر جای شما بودم زش میدادم زمانه اقتضا دارد که از یکطرف بشر کاملاً مراقبت شود. اشخاصی شروع میکنند مطابق خیال خود زندگی کردن و همه گونه افعال ناشایست از آنها سر میزند جوانان هیچوقت درمید خداده بندیشوند. از اماکن عمومی دوری و کاره دوری هم جمع میکنند و در گوشه های محرم حرف میزنند اجازه بدهید بیرحم چرا خودشانرا معنی میکنند ؟ چه حرفی است که انسان در حضور همه ملاندر مشروب فروشی بتواند بزند ؟ معلوم میشود کارهای آنها امروز است ولی جای رموز در کلیسای مقدسه است نام رموزی که معنیانۀ تسلیم داده میشود ناشی از خلالت میباشد. خدا حافظ.

و کاسکت خود را بلاستی که حاکی از پرمنعائی بود در دستان در هوا تکان داد و رفت و مادر را شوش گذاشت.

یک باردیگر ماریا کرسونوا هاسابه خانواده و لاسف که بیوه یک فرآهنگر بود و چیزهای خوردنی در کارخانه می فروخت در بازار به پلاگ برخورد و گفت: پلاگ مواظب پست باش!

ماریا با حالت مرموزی زربل گفت: صحبتیانی در اطرافش میشود صحبتیانی به میگویند صنی تشکیل میدهد مثل فرقه

تاریانه زن (۱) اعضای این صنف همدیگر را شلاق میزنند. ماریا زخرف نگو! زنک جواب داد: یکسی که کارم زخرف میکند باید فرخ فرخ کرد یکسی که آن کار را نقل میکند. مادر این حرفها را به پرش گفت. بدون اینکه جواب بدهد شاهه هارا بالا انداخت. اما اهل روسیه صغیر شروع کرد از روی محبت تافاه خندیدن.

پلاگ گفت: دخترهام از دست شما اوقاتشان تلخ است زیرا که لقه های جرب و نرمی هستی خوب کار میکنید مشروب هم نیخورید ... با وجود این بدخترها افلا نگاهم نیکنید میگویند که اشخاصی بدنام از شهر بدیدن شما میآیند.

پاول باغشی از روی انبواز جربا د زد: چه مانی دارد؟ اهل روسیه صغیر آهی کشیده اظهار داشت: دریک مرداب همه چیز بوی گند میدهد اما در جان خوب است شا برای این دختر های احسن شرح دهید که زناشویی چیست تا دیگر برای شکسته شدن دنده هایشان این قدر صله نداشته باشند!

پلاگ بانک زد: بوی میمانند اما چطور ممکن است حرف نظر کنند؟ (۱) فرقه ای بودند از متصیین مذهبی در قرن سیزدهم. وجه تشبیه آنها این است که همدیگر را در حضور مردم شلاق میزدند.

پاول گفت: نسیفندوالا سرگرمی دیگری پیدا میکردند! مادر نکلمی بصورت تشکین بر انداخته جواب داد: وظیفه شاست که بآنها این موضوع را یاد بدهید! دخترهایی را که باهوش ترند دعوت کنید ... پاول با خشکی اظهار کرد: امکان ندارد! اهل روسیه صغیر پرسید: چطور است امتحان کنی؟ پس از لفظ ای سکوت پاول جواب داد: انسان شروع میکند به جفت جفت باهم گردش کردن بعد بضمیها ازدواج خواهند کرد همین.

مادر در فکر فرو رفت. از خشکی مرتاضانه پرش متوحش بود. میدید که همه رفقای پرش حتی کسانی هم که از او مسن تر هستند مثلا اهل روسیه صغیر از او حرف شنوی دارند ولی بنظرش میآید که همه از او میترسند و از اطوار خشک و سردش خوششان نیآید. یکدفعه که دراز کشیده بود درحالی که پاول و اهل روسیه صغیر هنوز کتاب میخواندند از پشت تپه نازک حرف های آنها را گوش داد.

پاول گفت: میدانی؟ از تانافا خوشم میآید. پاول فوراً جواب نداده بود. مادر شنید که اهل روسیه صغیر آهسته برخواست و شروع کرد در اطلاق قدم زدن. پایهای افشش در روی زمین کشیده میشد. مقام حزن آوری را صوت میزد.

سپس دوباره صدایش پیچید: - آیا ملتفت شده است؟ پاول ساکت ماند. رفیقش صدا را آهسته کرده پرسید: تودراین باب چه فکر میکنی؟ پاول جواب داد: ملتفت شده است و بدینجهت است که دیگر نمی آید.

اهل روسیه صغیر شروع کرد بر راه رفتن و صوت و دهن. آنگاه دنباله کلاهرا گرفته گفت: کاش بوی میکنم.

پاول گفت: نسیفندوالا سرگرمی دیگری پیدا میکردند! مادر نکلمی بصورت تشکین بر انداخته جواب داد: وظیفه شاست که بآنها این موضوع را یاد بدهید! دخترهایی را که باهوش ترند دعوت کنید ... پاول با خشکی اظهار کرد: امکان ندارد! اهل روسیه صغیر پرسید: چطور است امتحان کنی؟ پس از لفظ ای سکوت پاول جواب داد: انسان شروع میکند به جفت جفت باهم گردش کردن بعد بضمیها ازدواج خواهند کرد همین.

مادر در فکر فرو رفت. از خشکی مرتاضانه پرش متوحش بود. میدید که همه رفقای پرش حتی کسانی هم که از او مسن تر هستند مثلا اهل روسیه صغیر از او حرف شنوی دارند ولی بنظرش میآید که همه از او میترسند و از اطوار خشک و سردش خوششان نیآید. یکدفعه که دراز کشیده بود درحالی که پاول و اهل روسیه صغیر هنوز کتاب میخواندند از پشت تپه نازک حرف های آنها را گوش داد.

پاول گفت: میدانی؟ از تانافا خوشم میآید. پاول فوراً جواب نداده بود. مادر شنید که اهل روسیه صغیر آهسته برخواست و شروع کرد در اطلاق قدم زدن. پایهای افشش در روی زمین کشیده میشد. مقام حزن آوری را صوت میزد.

سپس دوباره صدایش پیچید: - آیا ملتفت شده است؟ پاول ساکت ماند. رفیقش صدا را آهسته کرده پرسید: تودراین باب چه فکر میکنی؟ پاول جواب داد: ملتفت شده است و بدینجهت است که دیگر نمی آید.

اهل روسیه صغیر شروع کرد بر راه رفتن و صوت و دهن. آنگاه دنباله کلاهرا گرفته گفت: کاش بوی میکنم.

پاول گفت: نسیفندوالا سرگرمی دیگری پیدا میکردند! مادر نکلمی بصورت تشکین بر انداخته جواب داد: وظیفه شاست که بآنها این موضوع را یاد بدهید! دخترهایی را که باهوش ترند دعوت کنید ... پاول با خشکی اظهار کرد: امکان ندارد! اهل روسیه صغیر پرسید: چطور است امتحان کنی؟ پس از لفظ ای سکوت پاول جواب داد: انسان شروع میکند به جفت جفت باهم گردش کردن بعد بضمیها ازدواج خواهند کرد همین.

مادر در فکر فرو رفت. از خشکی مرتاضانه پرش متوحش بود. میدید که همه رفقای پرش حتی کسانی هم که از او مسن تر هستند مثلا اهل روسیه صغیر از او حرف شنوی دارند ولی بنظرش میآید که همه از او میترسند و از اطوار خشک و سردش خوششان نیآید. یکدفعه که دراز کشیده بود درحالی که پاول و اهل روسیه صغیر هنوز کتاب میخواندند از پشت تپه نازک حرف های آنها را گوش داد.

پاول گفت: میدانی؟ از تانافا خوشم میآید. پاول فوراً جواب نداده بود. مادر شنید که اهل روسیه صغیر آهسته برخواست و شروع کرد در اطلاق قدم زدن. پایهای افشش در روی زمین کشیده میشد. مقام حزن آوری را صوت میزد.

سپس دوباره صدایش پیچید: - آیا ملتفت شده است؟ پاول ساکت ماند. رفیقش صدا را آهسته کرده پرسید: تودراین باب چه فکر میکنی؟ پاول جواب داد: ملتفت شده است و بدینجهت است که دیگر نمی آید.

اهل روسیه صغیر شروع کرد بر راه رفتن و صوت و دهن. آنگاه دنباله کلاهرا گرفته گفت: کاش بوی میکنم.

پاول گفت: نسیفندوالا سرگرمی دیگری پیدا میکردند! مادر نکلمی بصورت تشکین بر انداخته جواب داد: وظیفه شاست که بآنها این موضوع را یاد بدهید! دخترهایی را که باهوش ترند دعوت کنید ... پاول با خشکی اظهار کرد: امکان ندارد! اهل روسیه صغیر پرسید: چطور است امتحان کنی؟ پس از لفظ ای سکوت پاول جواب داد: انسان شروع میکند به جفت جفت باهم گردش کردن بعد بضمیها ازدواج خواهند کرد همین.

مادر در فکر فرو رفت. از خشکی مرتاضانه پرش متوحش بود. میدید که همه رفقای پرش حتی کسانی هم که از او مسن تر هستند مثلا اهل روسیه صغیر از او حرف شنوی دارند ولی بنظرش میآید که همه از او میترسند و از اطوار خشک و سردش خوششان نیآید. یکدفعه که دراز کشیده بود درحالی که پاول و اهل روسیه صغیر هنوز کتاب میخواندند از پشت تپه نازک حرف های آنها را گوش داد.

پاول گفت: میدانی؟ از تانافا خوشم میآید. پاول فوراً جواب نداده بود. مادر شنید که اهل روسیه صغیر آهسته برخواست و شروع کرد در اطلاق قدم زدن. پایهای افشش در روی زمین کشیده میشد. مقام حزن آوری را صوت میزد.

سپس دوباره صدایش پیچید: - آیا ملتفت شده است؟ پاول ساکت ماند. رفیقش صدا را آهسته کرده پرسید: تودراین باب چه فکر میکنی؟ پاول جواب داد: ملتفت شده است و بدینجهت است که دیگر نمی آید.

اهل روسیه صغیر شروع کرد بر راه رفتن و صوت و دهن. آنگاه دنباله کلاهرا گرفته گفت: کاش بوی میکنم.

پاول گفت: نسیفندوالا سرگرمی دیگری پیدا میکردند! مادر نکلمی بصورت تشکین بر انداخته جواب داد: وظیفه شاست که بآنها این موضوع را یاد بدهید! دخترهایی را که باهوش ترند دعوت کنید ... پاول با خشکی اظهار کرد: امکان ندارد! اهل روسیه صغیر پرسید: چطور است امتحان کنی؟ پس از لفظ ای سکوت پاول جواب داد: انسان شروع میکند به جفت جفت باهم گردش کردن بعد بضمیها ازدواج خواهند کرد همین.

مادر در فکر فرو رفت. از خشکی مرتاضانه پرش متوحش بود. میدید که همه رفقای پرش حتی کسانی هم که از او مسن تر هستند مثلا اهل روسیه صغیر از او حرف شنوی دارند ولی بنظرش میآید که همه از او میترسند و از اطوار خشک و سردش خوششان نیآید. یکدفعه که دراز کشیده بود درحالی که پاول و اهل روسیه صغیر هنوز کتاب میخواندند از پشت تپه نازک حرف های آنها را گوش داد.

پاول گفت: میدانی؟ از تانافا خوشم میآید. پاول فوراً جواب نداده بود. مادر شنید که اهل روسیه صغیر آهسته برخواست و شروع کرد در اطلاق قدم زدن. پایهای افشش در روی زمین کشیده میشد. مقام حزن آوری را صوت میزد.

سپس دوباره صدایش پیچید: - آیا ملتفت شده است؟ پاول ساکت ماند. رفیقش صدا را آهسته کرده پرسید: تودراین باب چه فکر میکنی؟ پاول جواب داد: ملتفت شده است و بدینجهت است که دیگر نمی آید.

اهل روسیه صغیر شروع کرد بر راه رفتن و صوت و دهن. آنگاه دنباله کلاهرا گرفته گفت: کاش بوی میکنم.

پاول گفت: نسیفندوالا سرگرمی دیگری پیدا میکردند! مادر نکلمی بصورت تشکین بر انداخته جواب داد: وظیفه شاست که بآنها این موضوع را یاد بدهید! دخترهایی را که باهوش ترند دعوت کنید ... پاول با خشکی اظهار کرد: امکان ندارد! اهل روسیه صغیر پرسید: چطور است امتحان کنی؟ پس از لفظ ای سکوت پاول جواب داد: انسان شروع میکند به جفت جفت باهم گردش کردن بعد بضمیها ازدواج خواهند کرد همین.

مادر در فکر فرو رفت. از خشکی مرتاضانه پرش متوحش بود. میدید که همه رفقای پرش حتی کسانی هم که از او مسن تر هستند مثلا اهل روسیه صغیر از او حرف شنوی دارند ولی بنظرش میآید که همه از او میترسند و از اطوار خشک و سردش خوششان نیآید. یکدفعه که دراز کشیده بود درحالی که پاول و اهل روسیه صغیر هنوز کتاب میخواندند از پشت تپه نازک حرف های آنها را گوش داد.

پاول گفت: میدانی؟ از تانافا خوشم میآید. پاول فوراً جواب نداده بود. مادر شنید که اهل روسیه صغیر آهسته برخواست و شروع کرد در اطلاق قدم زدن. پایهای افشش در روی زمین کشیده میشد. مقام حزن آوری را صوت میزد.

### اعلان اداری

از عموم آقا بانیکه سست نمایندگی روزنامه رهبر را قبول کرده اند متحنی است دو قطعه عکس با شماره شناسنامه و محل صدور آن باین اداره ارسال دارند تا اعتبار نامه آنها ارسال گردد و نیز برای تک فروشی صدی سی و برای جمع آوری وجه آبونان صدی ده حق الزحمه تعیین گردیده است ۱۰ - ۴



# هسبر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول  
ایچ اسکندری



# حمله متفقین بسبیل

## نبرد های خونین در جبهه خاور ادامه دارند

ولی آلمانها هیچ پیشرفت نکرده اند

حمله شدید آلمان ها در ناحیه ارل و کورسک ادامه دارد

## گاز انبر آتشین شوروی

تانک های آلمان را میبلعد و نابود میکند

گزاره های متوالی که هنگام شب بیکسو می رسد حاکی از شدت جنگ در منطقه بیلگورود بود. تلگرافیکه در ساعت ۱۱/۴۵ رسید احوال میدانش جنگ روز و شب بیوسته بارکال سفی ادامه دارد در یک منطقه جبهه دشمن متجاوز از هزار تانک و صد و زیادی هواپیما توپ و فراتر وارد کارزار نموده است.

طی سه روز اول جنگ در این منطقه دستجات شوروی ۴۰۰ تانک دشمن را نابود ساخته و با از کار انداختن و صد زیادی از هواپیما های دشمن راسرنگون کردند احوال سفی جنگ باقی ماند. آلمانی در میدان جنگ باقی ماند.

در تلگرافیکه در دقیقه ۱۱/۴۵ رسید شد متیوست بر شدت جنگ افزوده میشود آلمانها دستجات جدید هواپیما های با این منطقه آورده اند و هواپیما های شکاری شوروی حمله آنها را با موفقیت عقب زده اند. هواپیما های شوروی یک فرودگاه دشمن حمله برود ۳۴ هواپیما را منور سرنگون کردند.

هواپیما های شوروی با همکاری نیروی زمینی تلفات سنگینی بدشمن وارد آورده است جنگهای هوایی پیوسته ادامه دارند در یکروز فقط ۵۰ جنگه هوایی واقع شد کسی قبل از ساعت ۲۰/۳۰ یک تلگراف از فرماندهی بیلگورود اعلام میدادت هوا پیما های شوروی با تسلیت زیادی از قوای پیاده نظام پشتیبانی کرده و حمله ست دشمن را با عقب میراندیک آتشبار توپخانه گارد ۲۷ تانک دشمن را نابود کرد و با از کار انداختن و در بین این همه ۱۸ تانک از نوع یسر وجود داشت.

اعلامه تکلیلی عصر شوروی احوال میدارد. در منطقه اول - کورسک طی چهار روز اول حمله دشمن تلفات سنگینی از دست داده و فراتر شده ولی هیچ نتیجه بدست نیآورده است امروز دشمن حمله بامدادی خود را متوجه یک منطقه مجاور نموده است و واحد های فرسوده خود را بوسیله یک لشکر تانک و دو لشکر پیاده نظام تقویت نموده است.

تانکهای یکی از دستجات ارتش شوروی در منطقه بیلگورود متجاوز از ۸۰ تانک آلمانی و دوست کامیون و ۵ تراکتور زره پوش و چندین توپ مکانیزه را نابود ساخته و اقل ۲۰۰۰ سرباز دشمن در عرض روز کشته شد. موقع ظهر چندین تانک دشمن منهدم گشت و هزاران نفر کشته شدند سربازها و فرمانده های ارتش سرخ با شجاعت حمله دشمن را به عقب میرانند.

هسکو - خبر نکار اوضاع جنگی شوروی خبر داده که آلمانیها در جبهه بیلگو رود حمله ای نموده اند که در آن هزار ها تانک شرکت داشته است و صد زیادی از هواپیما های آلمانی با پشتیبانی توپخانه و چندین لشکر پیاده بهر اسی تانکها مهاجرت بعمل نموده.

میدان جنگ در زمیانی که دو جهت بیلگورود و جنوب ارل در گرفته آلمانی ها صد زیادی تانک های سنگین از نوع بیریکار میبرند. حمله تانکهای آن ها طبق روش پیشین میباشد و آن این است که بیست تا سی تانک نوع یسر پیشرفت جبهه ای نمائند و توپ هایی که بوسیله تراکتور حرکت میکنند در مسیر خود میکشاند و شماره اینها از صدی پنجاه تا صدی صد تانک ها افزون تر است.

سیس تانکهای قدیمی از نوع (۳ت) و (۴ت) و (۲۸) با پیاده نظام در هم برهم میش می آیند. در همین حال چند دسته کوچک تانک سبک و متوسط در جناحها مشغول عملیات می گردند.

دشمن با این روشی که برای حرکت دادن نیروهای مکانیزه خوش بکار میرسد امیدوار بشکست ناپذیر بودن تانک های نوع یسر خوش میباشد.

با تمام این احوال توپخانه و حتی نیروی پیاده ما حمله نیروهای زره پوش دشمن را بکلی دفع نمینماید. در جهت بیلگورود تنها در عرض یکروز ده هاتانک نوع یسر آلمانی از کار افتاد و با طمه حریق گشت.

یکی از واحدهای زره پوش ما که از یکراه شوم دفاع میکرد بر یک موسم دشمن که از نظر بنیان بود شکست کرد و در حال پیشرفت بود بطوری نار و مار کرد که ارتباط توپهای تراکتوری پیاده نظام دشمن از تانکهایشان قطع شد.

سیس تانک رانان و جنگجویان مسلح بتفکیک خود تانکها همچنان صبر کردند تا تانک های یسر دشمن نزدیک شدند پس از آن حمله بردند و بیست تا از آنها را نابود کردند نیروی دشمن دو باره چندین نبرد که استحکامات ما را در هم شکافتند تانک رانان ما همچنان صبر کردند تا چهل تانک دشمن عبور کرد پس از آن راه را بر آنها بستند و آنها را مجامره کردند و تانکهایشان را طمه حریق نمودند تانک رانان ما طر عرض دو روز رزم هفتاد و چهار تانک دشمن را از کار انداختند.

از روشی که تانکها و توپخانه ما بری جنگ بصورت گاز انبر آتشین بر علیه تانک های نوع یسر آلمانی و دیگر تانکهای دشمن بکار بردند نتایج نیکویی بدست آمد در هر نبردی بر میزان تلفات تانک دشمن افزوده میشود.

هسکو اعلامیه عصر شوروی احوالی دارد. روز نیم زوئی در مناطق اول و کورسک و بیلگو رود دستجات ما با دشمن که با کک نیرو های مهم پیاده نظام و تانک بصله ادامه میداد چنکیده اند.

چنگام روز نیروی هوایی ما مصاف های سختی با نیروی هوایی دشمن داد بر طبق آمار ناقصی که در دست است در مناطق مزبور در مدت یکروز جنگ ۱۹۳ تانک دشمن نابود شده و یسا از کار افتاده و ۹۴ هواپیما های دشمن سرنگون گردید.

## متفقین در ماه آینده بعملیات لشکری خواهند پرداخت

### آلمانها نیروی خود را از ایتالیا احضار میکنند و کمیته نجات ملی باشتاب جلسه میکند آیا بهم ارتباطی دارد؟

واشنگتن - برار یک معائن لشکری آگاه دیروز پیش گوئی کرده اند در ظرف سی روز آینده برای کاستن از شدت حمله آلمان در روسیه یک رشته عملیات لشکری اقدام خواهد شد.

الجزایر - بامداد آدینه با شتاب تمام از کارمندان کمیته نجات ملی فرانسه دعوت شده است که جلسه فوق العاده تشکیل دهند قضا میمسی که باید مطرح شود تجدید سازمان غیر نظامی است.

کمیته باید درباره پیشبادهای مربوط باغرام فوری هیئت های نظامی بشکوه های خارج نیز بحث کند.

هرز ایتالیا - آلمانیها پس از احضار نیرو های خود از ایتالیا آگستون مهمات جنگی و خوارباری که در آتیا باقی مانده بسرعت حمل مینمایند بنا بر اظهار اشخاصی که با معائن لشکری تماس و نزدیکی دارند مینمائی که از ایتالیا حمل میشود مقدار زیادی توپ از جمله توپهای ضد هوایی میباشد که آلمانیها بنظور تقویت وسایل دفاع ایتالیا به آتیا فرستاده بودند.

بطول کامیونها و مهمات جنگی و بنزین برای مصرف هوا پیما نیز پس آورده خواهد شد.

برای اینکه اهالی مستعمر نشوند حمل این مهمات شباه صورت میگردد. لفتنن - جاک - تار - رئیس اتحادیه کارگران فلز کاری انگلیس که مشتمل بر شصت هزار کارگر میباشد در روز خطاب به کارگران کارخانه های فلز کاری ایتالیا چنین اظهار داشته است: ما اعتقاد داریم از اینکه شما کارگران فلز کاری در اقدام بر علیه ستمگران خود پیش قدم شده اید.

شاید در میان تمام طبقات اهالی امپراتوریتان و دانشجویان و دانشوران با کارگران دوست و متفق برای خود تحصیل نماید شله آزادی را بر افروزد و بیوسته کار بیالیدی نامی ایتالیا را بخاطر بیایورید نازبها را از خاک ایتالیا بیرون کنید و برادران خود را از آلمان و سربازان خود را از جبهه جنگ باز خواهید.

بازان انگلیسی در جزیره سبیل پیاده شده اند و فلا جنگهای سختی بین پادگان جزیره و نیرو های مهمات در جریاست.

## آخرین اخبار رادیو

بیهضه اول بوجوب اعلامیه فوق العاده فرماندهی نیرو های متفقین در شمال افریقا که امروز بامداد انتشار یافته سحرگاه امروز نیرو های متفقین تحت فرماندهی ژنرال آیزن هاور به کراهه های جزیره سبیل پیاده شده اند قبل از پیاده شدن این نیرو ها هوا پیما های متفقین حمله های سختی بر علیه این جزیره نمودند.

ناوگان متفقین ککهای شایانی به پیاده شدند نیرو های مزبور کراهه و توپخانه این ناوگان کک آتیبازر های کراهه جزیره را زیر آتش توپهای خود قرار داده بودند.

رادیو خاور نزدیک - ساعت ۷ و ۴۵ دقیقه بامداد امروز اعلام شد که نیرو های امریکایی و انگلیسی و نیرو های دیگر متفقین سحرگاه امروز به کراهه های جزیره سبیل پیاده شده اند و دلغرا این اقدام مقدمه حمله به اروپا و آزاد نمودن این قاره میباشد.

ژنرال (ایزن هاور) طی نطقی خطاب به ملت فرانسه اظهار داشت که پیاده شدن نیروهای متفقین در جزیره سبیل نخستین قدم در راه آزادی اروپا است.

کانادائی سحرگاه امروز در کراهه باختری جزیره سبیل کنزوبترین نقاط به کراهه تونس میباشد، پیاده شده اند و بسرحد پیاده شدن با وسایل تدافعی دشمن مواجه شده و بین پیش قراولان متفقین و محرر جنگهای سختی در گرفته است.

از اسی جزیره کوهستانی است و دارای راه های دوار است و نبرد به آسانی در آن صورت نخواهد گرفت اما کراهه ای که در آن پیاده شده اند و ۱۲۰ کیلو متر از دلفه بون فاشه دارد هموار بوده و برای جنگ مساعد است.

هوا پیما های امریکایی دیش صهارت فرماندهی کل نیروهای محور را در سبیل و نیز صهارت پستخانه این جزیره را مستقر بیلران کرده اند.

فرودگاه کومیلنو نیز بیلران ۱۵۰ هوا پیما محور و ۱۰ سب افکن متفقین سرنگون گردیده است.

اعلامیه ایتالیا حاکی است که چتر بعد از ظهر شعبه کلوب حزب توده ایران واقع در خیابان مختاری افتتاح میشود از اعضاء حزب توده مجاور و آزادی خواهان و کارگران اتحادیه های سیلو و راه آهن دعوت میشود که در ساعت مقرر در محل مذکور حضور بهم رسانند.

## بهار در باز داشتگاه ما

بقیه از صفحه اول برندگان که صبح و عصر میدیدیم کلاغ ها بودند. هر روز صبح دسته های کلاغ که روی هوا را سیاه میکرد از جنگل بطرف مزرعه ها میروند و عصرها بطرف جنگل پرواز میکرد ما میکشید آنها هم برای خودشان مقرراتی وضع کرده اند و در کارها از روی قاعده و قانون رفتار میکنند. کلاغها با آزاری می رسانند و ما هم از آنها بدمان نمی آید.

بعد یک روز ظهر زیر تابش آفتاب کسی فریاد کرد برندگان روی چادرها پرواز میکنند. همه بیرون دویدند با چهره های خندان و چشماهای جھجھو کتند. البته یک دسته پررگی از برندگان که در موقع پرواز صدا میکردند از دست جنوب ایشال در پرواز بود.

این برندگان سارها بودند که از افریقا و از روی مدیترانه مسافرت میکردند دو روز دیگر دسته های بزرگ چلچله پیدا میشوند آنها دسته دسته روی سیم های خار دار می نشینند. پس از آمدن آنها روز های گرم می رسند با های جنوبی هم بجای نسیم های خنک پیره بحرکت در می آیند.

طرفهای عصر قله های بنفش پیره به بلند سه هزار متر که هنوز از برف پوشیده شده در جلوی افق طلایی رنگ سیخ سیخ مینمایند بالای سر آنها آسمان چادر آبی رنگ خود را گسترانیده از آنها روشن تر منطقه سیاه و آبی رنگ جنگل های صنوبر و تازه از آتپاروش تر سبزی جنگلهای پر درخت است کلاه باز داشتگاه بیداست چن ما شروع بگل دادن کرده. از هر رنگ گلی ما میتوانیم از میان سیم های خار دار گذشته یک راست بسر وقت گلپای باز شده و چمن های سبز و خندان برویم. درست مثل اینست که پست سیمهای خار دار و در دامن این چمن ها زنبای زیا با موهای شانه کرده و شبیه بکتان در انتظار مساهستند.

برای این بهار ناگهانی و شکفت انگیز که غیلی هم دستچایه است ما آماده نیستیم. پیر مردها بدون داشتن هیچ دلیل زمینی چهار پایه های چوبی را برداشته بپیان ممدیگر مینانند تا موقعی که خون از سر و دستان راه بیفتد.

یک یوگوسلاوی جوان که همیشه تنها می نشست و فکر میکرد با یک کارد برقیض حمله میکند. ما بسختی میتوانیم او را ساکت کنیم. خودش را از توی دستهای ما بیرون میاندازد و از میان باز داشتگاه با قدمهای بلند و شلنگ های دراز بیرون میرود. او از میان هشت رشته سیم خار دار خودش را رد میکند پاچه های شلوارش. باره باره و مثل رشته های دراز آویزان است.

گاردما روی او آتش باز میکنند. ما او جلو میرود از میان جاده و توی تپه ها رد میشود. و بدیواره بلند باز داشتگاه میرسد. آتیا روی زمین و میان علفهای سبز و گل های معطر دراز میکشد و با دمان تپه باز بطرف آستان نگاه میکند.

نفس زنان گاردما دنبال او میروند تفکهایشان پر کرده و آماده است او بقیه از صفحه اول

ما سعی میکنیم اضطباط را حفظ کنیم و بر خودمان مسلط باشیم. ما کوشش داریم با این بهار جنگیم، عصرها دسته دسته شده بازه میکشیم کسرت تشکیل میدهم.

با اینهمه باید با بهار جنگید بر شد اشتیاق و بر شد زندگی بدون زن بیکار نبود. این بیکاری است دشوار و تلخ.